



بازی (۲)

محمد مهدی صفورایی پاریزی

در شماره قبل، قسمت اول این مقاله به مضورتان تقدیم گردید. اینک قسمت دوم این مقاله را با هم می‌فوانیم:

بیش‌تر به تبلیغ آن‌ها توجه شود. به عنوان مثال، در جامعه‌ای موسیقی یا شعر، حایز اهمیت است، در جامعه‌ای دیگر ورزش. به نظر می‌رسد آن‌چه را که رسانه‌ها بیش‌تر بر آن تأکید می‌ورزند اهمیت و جایگاه رفیعی پیدا خواهد کرد. همان‌گونه که مشاهده می‌کنیم، حتی نوع بازی کودکان و جوانان، بیش‌تر در زمینه ورزش تصاویر مربوط به قهرمانان ورزش‌های المپیک جهانی است که در قالب «کارت بازی» در جامعه رواج دارد. حال اگر ما در جامعه خودمان، به جای تبلیغ قهرمانان و الگوهای جوامع دیگر، به تبلیغ الگوهای خودی بپردازیم، طبیعی است که جوانان ما الگوهای خود را از این طریق کسب خواهند کرد.

بنابراین، می‌توان گفت یکی از عرصه‌هایی که جوانان الگوهای خویش را از آن می‌گیرند و رفتار خود را مطابق آن الگوها قرار می‌دهند، عرصه ورزشی است. اگر ما به ترویج و اشاعه الگوها و قهرمانان فرهنگیمان در زمینه‌های ورزشی، حفظ قرآن، معرفی افراد دارای تحصیلات عالی و سوابق انقلابی و دینی اقدام کنیم، نوجوانان و جوانان ما الگوهای خویش را از این طریق کسب خواهند کرد و بدین ترتیب، می‌توانیم امیدوار باشیم که جوانان ما با الگوهای شایسته‌تر و مناسب‌تر آشنا شوند.



چند نکته تربیتی درباره بازی:

۱- هرگز مستقیماً در بازی‌های کودکان مداخله نکنید.

۲- اسباب بازی‌هایی برای آن‌ها تهیه کنید که:

الف. متحرک و قابل انتقال باشد؛

ب. برای کودک تازگی داشته باشد؛

ج. طوری درست شده باشد که کودک را در رشد و تکامل حواس، ادراک فاصله و اندازه، شکل و صدا کمک کند.

۳- برای این‌که کودکان در فعالیت و کارکردن با اسباب‌بازی‌های خود آزاد باشند، بهتر است اسباب بازی‌های ارزان قیمت در اختیارشان گذاشته شود.

۴- هرگز خوردنی‌ها، مخصوصاً موادی که پوست یا پوشش ندارند، مانند کشمش و خرما را به عنوان اسباب بازی در نظر نگیرید؛ زیرا پس از مدتی بازی و آلودگی، آن‌ها را می‌خورند.

۵- در عین حال که باید کودکان در انتخاب نوع اسباب بازی آزاد باشند، معلمان و مربیان نیز نباید از راهنمایی و تربیت غیر مستقیم آنان غفلت کنند، باید به ایشان یاد دهند که چگونه می‌توان اسباب بازی‌ها را تمیز و سالم نگه داشت، بدون این‌که به زور و تنبیه یا سرزنش متوسل شوند.

۶- در خرید اسباب بازی به علاقه و نیازهای کودکان توجه کنید، نه به خوشایند خودتان یا زیبایی اسباب بازی.

۷- اگر احساس کردید کودکی از بازی کردن اجتناب می‌ورزد، فوراً به کشف علت و درمان

آن پردازید، بدون این‌که او را سرزنش کنید.

۸- ضمن بازی، می‌توان کودکان را به‌طور غیر مستقیم، به رعایت حق و عدالت تشویق کرد، بدون این‌که به تعریف کلمات مزبور پردازید.

۹- محیط بازی باید از حیث وسایل و

اسباب بازی برای هر سنی غنی باشد.

۱۰- بازی‌هایی برای کودکان پیشنهاد می‌شود که به تربیت، ذوق و میل زیبا دوستی آنان کمک می‌کند و تربیت اجتماعی آن‌ها را سرعت می‌بخشد. بهترین راه برای این منظور، استفاده از اسباب بازی‌های جمعی است.

مراحل رشد کودک، نوجوان، جوان و انواع بازی در آن‌ها

کودکان در هر سنی، به بازی‌های مخصوصی مشغول می‌شوند. در این‌جا، آن‌ها در سه دوره مورد مطالعه قرار می‌گیرند:

دوره اول (از تولد تا ۳ و از ۳ تا ۶ سالگی)

در این دوره، به‌ویژه سه سال اول، بازی

کودک جنبه فردی و آزاد دارد. حرکت، نخستین مظهر بازی است، چنانکه نوزاد در گهواره، با حرکت دادن دست‌ها و پاهایش به طور منظم و دایم، بازی می‌کند؛ از شنیدن صدای خود لذت می‌برد؛ فریاد می‌کند؛ و از مشاهده رنگ‌های براق و نورهای درخشان، خوشحال می‌شود. به‌طور کلی، در مرحله اول از این دوره، هرچه در حواس او اثر کند و موجب رضایت خاطر و خوشنودی او شود با آن به بازی می‌پردازد.

از شنیدن صداهایی که با آهنگ توأم باشد، شاد می‌شود. طنین صدای دل‌نشین قرآن و برخی سرودهایی که برای کودکان تهیه شده مورد علاقه کودک است. همین که راه افتاد و سخن گفتن آغاز کرد، بازی‌های او به‌صورت اسب‌سواری، جست و خیز و سخن‌گویی جلوه‌گر می‌شود؛ مثلاً، دسته جارو را به عنوان اسب در میان پاهای خود قرار می‌دهد و به اسب سواری می‌پردازد؛ از حمله به دیگری یا مورد حمله واقع شدن لذت می‌برد؛ از پرداختن به گفت و گو - بدون این‌که بخواهد از فکری تعبیر کند - خوشحال می‌شود؛ زیرا فقط می‌خواهد سخن بگوید و صدای خود را بشنود. در همین سن است که معمولاً والدین از پرحرفی کودکان خود شکوه دارند و گاهی با خشونت با آن‌ها رفتار می‌کنند که متأسفانه عدم آگاهی از سطح رشد کودک و برخوردهای غلط و ناشیانه، او را دچار مشکلات عاطفی و روانی - مثل لکنت و انزوا - می‌کند.

در مرحله دوم از این دوره (۳ تا ۶ سالگی) بازی و حرکات بدنی کاملاً در کودک آشکار می‌شود. در اواخر این مرحله، معمولاً نیروی خیال کودک شدت می‌یابد و در بازی‌های او منعکس می‌شود. کودک به تحلیل و ترکیب اشیاء، کسب اطلاعات، رقابت، و تقلید از هرچه می‌بیند و می‌شنود متمایل می‌شود؛ به هرچه چشمش می‌افتد دست دراز می‌کند و به بازی با آن‌ها می‌پردازد؛ علاقه شدیدی به بازی با گل و خاک دارد و نباید او را از این عمل بازداشت، بلکه فقط باید گل و خاک تمیز و مناسب در اختیار او گذاشت. در این سن، کودک اسباب‌بازی‌های خود را می‌شکند تا به محتویات آن‌ها پی ببرد و چگونگی ترکیب و حرکت آن‌ها را دریابد.



خلاصه، کودک در این مرحله به هیچ نوع قید و قاعده‌ای در بازی معتقد نیست و می‌خواهد کاملاً آزاد باشد و به کشش خیال، غرایز و امیال فطری بازی می‌کند. به همین سبب، مربیان باید از ایجاد و وضع هر نوع قانون برای بازی در این دوره، خودداری کنند تا از رشد طبیعی او جلوگیری نشود و او از آزادی همراه با بازی کاملاً استفاده کند. باید توجه داشت که جدا ساختن آزادی از بازی در این سن، برای کودکان مضر است.

دوره دوم (از ۶ تا ۸ سالگی و از ۸ تا ۱۲ سالگی)

در این دوره، کودک بیش‌تر به بازی‌هایی تمایل پیدا می‌کند که با حرکات زیاد همراه باشد. او می‌خواهد سرعت، قدرت و مهارت خود را نشان دهد و چون میان عضلات و اعصابش ارتباط برقرار می‌شود، بدین سبب، می‌تواند به بازی‌هایی که مستلزم مهارت هستند مشغول شود، چنان‌که می‌تواند ابزارهای دقیقی مانند سوزن و قلم به کار ببرد. هم‌چنین کودک به بازی‌های دسته‌جمعی علاقه‌مند می‌شود و می‌خواهد در هر بازی، رفیق و شریکی داشته باشد تا به او کمک کند یا مخالفی که با او به مبارزه و مباحثه بپردازد؛ زیرا در این دوره است که میل به رقابت ظاهر می‌شود و دوام و شدت می‌یابد و کودک را وادی دارد که نهایت کوشش خود را برای پیروزی بر دشمن مصروف دارد. چون در این سن، نیروهای گوناگون بدنی و ذهنی کودک رشد می‌کند، او می‌تواند عضلاتش را مهار و نیز به دلیل تربیت حواس و کسب مهارت و تجربه، بازی‌های گوناگون را به سرعت، قدرت و دقت انجام دهد، در

صورتی که قبلاً از انجام دادن آن‌ها عاجز بود.

دوره سوم، نوجوانی و بلوغ (از ۱۲ تا ۲۰ سالگی)

در این دوره، امیال اجتماعی قوت می‌یابند و همه بازی‌های نوجوان صورت جمعی و گروهی به خود می‌گیرند. نوجوان بیش از پیش، به رقابت می‌پردازد و به تسلط و نفوذ بر دیگران و کسب مقام ریاست و پیش‌گویی به شدت علاقه‌مند می‌شود. همین رفتار، نوجوانان را تحریک می‌کند که علیه یکدیگر به حرکت‌ها و ضرب‌هایی شکل دهند؛ مثلاً، در فاصله زمانی بین ساعت‌های کلاس در مدرسه، چند نفر با هم متحد شده و به محض این‌که مدرسه تعطیل شد، علیه کسی که با او مخالفت و دشمنی دارند، دست به اقدام می‌زنند. البته گاهی این مسأله به اختلاف بین والدین بچه‌ها نیز منجر می‌شود که اگر به سطح رشد و تحول نوجوان توجه شود، مشکلات به آسانی رفع خواهد شد. هم‌چنین به بازی‌هایی اظهار تمایل می‌کنند که در آن رقابت و مبارزه بیش‌تری باشد؛ مانند: فوتبال. در همین بازی‌هاست که نوجوان به ضرورت و ارزش همکاری، خودداری، فداکاری و از خود گذشتگی، اطاعت از قوانین و مقررات و احترام به آن‌ها و سایر صفات لازم برای زندگی اجتماعی پی می‌برد.

منابع

- ۱- علی اکبر شعاری نژاد، روان‌شناسی آموزش و پرورش.
- ۲- علی اکبر شعاری نژاد، روان‌شناسی رشد، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۲.
- ۳- سیامک رضامهجور، روان‌شناسی بازی، شیراز، ۱۳۷۰.